

تبیین مفهوم معنویت در رهبری سازمان‌ها از منظر رویکرد غربی و اسلامی

هادی معصومی^۱

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «تبیین مفهوم معنویت در رهبری سازمان‌ها از منظر رویکرد غربی و اسلامی» می‌باشد. چرا که قرن بیست و یکم با توجه به رخدادها و حوادث بزرگی که روی داده یا پیش‌رو داریم، بازتاب و تعهدات جدیدی را برای آینده ایجاد کرده است که در مقابل، واکنش‌های متناسبی را می‌طلبد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند برخی از این واکنش‌ها با ورود معنویت به سازمان و محیط کار، آسان‌تر خواهد شد. می‌توان گفت معنویت را یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مدیریت و رهبری در جوامع امروزی برشمرده‌اند و جایگاه این مفهوم را نه به عنوان یک گزینه برای انتخاب، بلکه به عنوان تنها راه پیشرفت سازمان‌ها دانسته‌اند. پژوهش حاضر با توجه به این رویکرد، به بررسی جامع پیشینه نظری موجود در حوزه معنویت از منظر دو رویکرد غربی و اسلامی و نقش مهم آن در رهبری سازمان‌ها پرداخته است. این مطالعه می‌تواند مبنایی برای درک بهتر مفاهیم، عناصر و ابعاد معنویت در رهبری سازمان‌ها فراهم آورده و در نهایت ما را در اجرا و ارزیابی برنامه‌های معنوی در سازمان‌ها متناسب با جامعه اسلامی و به تبع آن دستیابی به سلامت معنوی، بهبود عملکرد سازمانی و توانمندسازی کارکنان یاری نماید.

واژگان کلیدی: معنویت غربی، معنویت اسلامی، تأثیر معنویت بر رهبری.

مقدمه

آمریکا از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (سرلک و همکاران، ۱۳۷۱). پژوهشگران رشته‌های مختلف، عوامل زیادی را دلیل این علاقه ذکر کرده‌اند. این عوامل شامل تغییرات جمعیت شناختی و مذهبی در جامعه آمریکا، بهبود همه‌جانبه‌ی استاندارد زندگی در آمریکا و دگرگونی‌های مختلف محیط کار می‌باشد (باغگلی و همکاران، ۱۳۹۱).

در اسلام نیز معنویت و رهبری دو روی یک سکه هستند و نمی‌توانند جدا از یکدیگر دیده شوند. آنها به هم آمیخته شده و هر دو در پایگاه اخلاقی اسلام تعبیه شده‌اند (رستگار، پیشین: ۲۱). با این وجود، علیرغم پژوهش‌های فراوان پیرامون معنویت و حتی اذعان محققان اسلامی به کمبودهای مفهومی آن در رویکرد غربی، تاکنون کمتر تحقیقی به بررسی و مقایسه جنبه‌های اسلامی و غربی این مفهوم پرداخته و اغلب مبنای سنجش معنویت و متغیرهای مرتبط با آن مانند سلامت معنوی و رهبری معنوی، همان دیدگاه حاکم بر پیشینه‌های نظری وارداتی می‌باشد. لذا پژوهش پیش‌رو با تأکید بر هر دو جنبه غربی و اسلامی به مقایسه جنبه‌های متفاوت این رویکردها پرداخته و در نهایت پیشنهاداتی در خصوص استفاده از یافته‌های به دست آمده در رفتار عملیاتی رهبر سازمان، ارائه می‌نماید.

تعاریف معنویت

کاسیوپ (2000)، معتقد است که: "مفهوم معنویت اغلب درست فهمیده نشده است و می‌تواند برای بسیاری از مردم به صورتی منفی جلوه کند. معنویت اغلب در زمینه‌هایی مانند مذهبی سازماندهی شده، با اعتقادات خاص، قوانین اخلاقی و سنتی به نظر می‌رسد. اما معنویت، رسمی، ساختاریافته یا سازمان‌یافته

امروزه تکامل تاریخی در حوزه مدیریت و سازمان، به لحاظ نظری و عملی، تحت تأثیر نیروی قدرتمند قرار گرفته است؛ نیرویی که اگر به درستی هدایت و اداره شود، توانایی لازم برای منجر شدن به ژرف‌ترین همکاری‌ها، نه تنها در زمینه‌های حرفه‌ای، بلکه برای انسانیت را دارا می‌باشد (Lichtenstein, 1999). این نیرو چنان بر اصول مدیریت و سازمان تأثیرگذار بوده است که برخی افراد آن را پیشرفت و تحولی اساسی در حوزه مدیریت و سازمان توصیف کرده‌اند (Wanger- Marsh, 1999). این نیروی عظیم و ژرف، چیزی جز معنویت نیست؛ به گونه‌ای که اداره و هدایت آن در سازمان، مهم‌ترین فعالیت آینده مدیریت خواهد بود (Midriff & Denton, 1999).

کنگر بر این عقیده است که در تعریف نظریه‌های رفتار سازمانی، به ویژه نظریه‌های مربوط به رهبری، باید بعد معنوی را در نظر گرفت و تعریف جدیدی از رهبری ارائه داد که موجب بالندگی کاری کارکنان شود. با این رویکرد، نظریات مدیریت و سازمان، به ویژه در قلمرو مطالعات سطوح خرد، یعنی مدیریت منابع انسانی و مدیریت رفتار سازمانی، اگر بعد معنوی کارکنان را نادیده بگیرد، با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد (رستگار، ۱۳۹۱: ۱۷). از اواخر دهه ۱۹۸۰، علاقه به معنویت و رهبری رشد بسیار فزاینده‌ای داشته است به گونه‌ای که کتاب‌ها، مجلات و فیلم‌هایی در خصوص معنویت در محیط کار یا معنویت برای رهبران تجاری، صنعت پررونقی برای ناشران فراهم کرده است (Ballotter, 1997: 57). رشد این مفهوم همراه با جنبش‌های مربوط به ترویج مدیریت معنوی و توسعه رهبری در طی دهه گذشته خصوصاً در ایالت متحده



نیست، ... معنویت فراتر از هر لقب مذهبی خاص است و طلب پیدا کردن و تجربه‌ی اصول رایج و حقایقی است که هر مذهبی عرضه می‌کند. می‌توان گفت در اکثر منابع، معنویت با همین رویکرد بیان شده است. مفهوم معنویت به عنوان نیرویی انرژی‌زا، انگیزاننده، الهام‌بخش و روح‌بخش زندگی (Mc Knight, 1984)، و یا جستجوی مداوم برای یافتن معنا، هدف و فرجامی معین (Myers, 1990)، هدفی متعالی و الهی و فراسوی فردیت خویش (Ursula, 1997)، تعریف شده است. علاوه بر آن، در تعریفی دیگر، معنویت، تلاش در جهت ایجاد حساسیت نسبت به خویشتن، دیگران، نیروی برتر (خدا)، کند و کاو در جهت آن چه برای انسان شدن مورد نیاز است و جست‌وجو برای رسیدن به انسانیت کامل (Hines's, 1995)، ذکر شده است. اسلام معنویت را به عنوان تجلی بشریت فرد و هر آنچه به شکل دادن فرد منجر می‌شود، می‌داند. معنویت به طور مستقیم به

ارزش‌های اساسی، اعتقادات و اخلاقی که همیشه با ما هستند و ما از آن‌ها منحرف نمی‌شویم، اشاره دارد. اما جنبه مهم دیگر معنویت، فهم باورهای اصلی است که ما را قادر می‌سازد تا فهمی از جهان و اتفاقاتی که زندگی‌مان را شکل می‌دهد بسازیم. به بیان دیگر، معنویت چیزی است که جهان‌بینی ما را در عمل نشان می‌دهد. به ما نشان می‌دهد چگونه به دیگران واکنش نشان دهیم، چگونه ارتباطاتمان را توسعه دهیم و چگونه حسی از مسئولیت نسبت به دیگر مردم و جامعه نشان دهیم (Mathews, 2009). معنویت‌گرایی در واقع تحقق بخشیدن به ظرفیت ارزش انسان است. بر این اساس، معنویت یعنی اعتقاد بشر در حرکت به جلو و رابطه با نیرویی برتر، باور به خود و دیگران که براساس آن حس آگاهی، پیوند و وابستگی پدید می‌آید. در مجموع محققان ۶ عنصر ۱. جست‌وجوی معنا، ۲. عدم خودخواهی در فعالیت‌ها، ۳. جدایی معنویت و دین، ۴. ارتباط با اعضای گروه به صورت جمعی، ۵. یکپارچگی بین ارزش‌ها و تصمیمات افراد و ۶. فرایند

جدول (۱) عناصر تعاریف معنویت

منابع عناصر	فرایند فعال	یکپارچگی بین ارزش‌ها و تصمیمات	ارتباط با اعضای گروه	جدایی معنویت و دین	عدم خودخواهی در فعالیت‌ها	جست‌وجوی معنا
آندرسون و همکاران (۲۰۰۸)						*
اشموس و دوچن (۲۰۰۰)			*			*
کارول (۲۰۰۱)			*			*
استنک (۲۰۰۶)			*			
دنت، هیگینز و وارف (۲۰۰۵)				*		
جمیسون (۲۰۰۶)				*		
پورتر (۱۹۹۵)	*					
روز (۲۰۰۱)	*				*	*
ساواترکی و همکاران (۲۰۰۵)						*
تیسدل (۲۰۰۳)						*
ویل (۱۹۹۸)						*
وودز و وودز (۲۰۰۸)						*

معنویت دینی: معنویتی است که مبتنی بر یک سنت خاص دینی است. آمال و مقصد نهایی معنویت و همچنین راه‌های رسیدن به آن بر مبنای سنت خاص یک دین است و بر یک چارچوب و سیستم خاص اعتقادی استوار است.

معنویت غیردینی: در برگیرنده معنویت‌های انسان‌گرا، طبیعت‌محور و زمین‌محور است. عقاید آنان ممکن است بر مبنای انکار وجود خدا یا وحدت وجود خدا باشد. همچنین آموزه‌های آنان در برگیرنده‌ی عمل‌گرایی محیطی و اجتماعی است.

معنویت رازورزانه: براساس این معنویت، دین افراد شخصی است و فردیت بسیاری حاکم است و مضافاً بر جهانی بودن همه‌ی چیزها اشاره می‌شود. این معنویت در واقع اعتراضی است به استیلای دین، جهان‌شناسی و اقتصاد در قرن نوزدهم و نمادی از پس‌زدن عقل‌گرایی غیردینی و برداشت مادی‌گرا از علم، صنعت، مصرف‌گرایی و دین رسمی غربی می‌باشد.

معنویت فرادینی: معنویت فرادینی عنوانی است که برخی برای پایان دادن به بسیاری از چالش‌های عصر جدید، درباره معنویت، خلق کرده‌اند. معنویت فرادینی، معنویتی است با رویکردی به تمام آموزه‌ها و تعالیم همه‌ی ادیان. به طوری که از همه‌ی آنها برای کاهش درد و رنج جهانی، آرامش و کمال‌جویی بهره می‌برد، اما به هیچ کدام به طور خاص وابستگی ندارد.

ابعاد معنویت

طبقه‌بندی‌های مختلفی از ابعاد معنویت به عمل آمده است؛ از جمله این طبقه‌بندی‌ها، در سال ۲۰۰۳ توسط میلیمن، زاپلوسکی و فرگوسن (Ferguson, 2003 & Milliamp)، صورت گرفت که معنویت را متناسب با

فعال را در تعریف معنویت مطرح کرده‌اند که در جدول (۱) مشخص شده است (Buzzy, 2011).

رویکردها و انواع معنویت

با توجه به پیشینه نظری موجود در حوزه‌ی معنویت، رویکردهای مختلفی را در این رابطه می‌توان برشمرد: (ذاکری و همکاران، ۱۳۹۰).

رویکرد درون‌گرا (متافیزیکی): در این نگاه، معنویت نوعی آگاهی درونی است که از هر فرد بر می‌خیزد. در حقیقت در این رویکرد، معنویت فراتر از ادیان ملاحظه می‌شود. تأکید این دیدگاه بر درون انسان است؛ شامل احساس درونی فرد با کارش و با دیگران. **رویکرد دینی:** این رویکرد، معنویت را جزئی از یک دین یا مذهب خاص می‌داند. برای مثال مسیحیان باور دارند که معنویت نوعی دعوت به کار می‌باشد. آنها کار را مشارکت در خلاقیت خداوند و وظیفه‌ای الهی می‌دانند.

رویکرد اگزیستانسیالیستی (سکولار): در این رویکرد، هدف اصلی یافتن معنا در کار و محیط کاری است و در آن پرسش‌های زیر مطرح است: چرا من کاری را انجام می‌دهم؟ معنا و مفهوم کار من چیست؟ این کار من را به کجا خواهد برد؟ دلیل وجود من در سازمان چیست؟

رویکرد مخالفان معنویت و دین: در این رویکرد به معنویت و دین نگاهی منفی وجود دارد و گفته می‌شود که معنویت و دین هر دو ابزاری در دست مدیران و رهبران هستند تا از طریق آن، پیروان و زیردستان خود را استثمار کنند. با توجه به رویکردهای فوق، در یک سنخ‌شناسی با ماهیت پلورالیستی، معنویت عصر جدید در ۴ نوع خلاصه شده است:



فراتر از وجود مادی ساده است)، اتصال (مثلاً اتصال به دیگران، طبیعت یا الوهیت) و ارزش‌ها (همچون عشق، دلسوزی و عدالت) می‌باشد (امیدواری، ۱۳۸۷).

معنویت در اسلام

با وجود این حقیقت که توسعه ژرف و عمیق در هر معنویتی بدون شالوده دینی مشکل است، اما موضوعاتی مثل روح، آیین‌های باطنی جمعی و معنویت در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. بیشتر این تأکیدات، گذشتن از نسبت‌های دینی خاص به دلایل گوناگون بوده است.

پژوهشگران و نویسندگان مشهور در حوزه رهبری نیز، اغلب درباره معنویت در محیط کار صحبت کرده‌اند تا مذهب و دین. در دیدگاه‌های فراوانی، مذهب (دین)، مقوله‌ای مربوط به موسسات و نهادهای دینی، متعصبانه و سفت و سخت است، در حالی که معنویت، شخصی، احساسی و سازگار با نیازهای فرد است. زبان، نشانه‌ها و تشریفات معنوی باید در محیط کار پذیرفته شده باشد اما صحبت و عمل دینی، پذیرفته نشده باقی می‌ماند (Hicks, 2003). این ویژگی شخصی بودن معنویت به طور ضمنی عنوان می‌کند که حتی به فرض سلامت شخصی رهبر و تلاش او در سازندگی انسان، نمی‌توان باور کرد که نسخه عرضه شده از سوی او برای همه افراد در همه زمان‌ها و مکان‌ها مناسب باشد، و بنابراین در درازمدت می‌تواند به سردرگمی افراد و تکثر بی‌شمار رویکردهای معنوی منجر شود.

بسیاری از مسیحیان، یهودیان و مسلمانان مدعی هستند که خدا نه یک اندیشه انتزاعی معنویت، بلکه یک منبع غائی و مهیا کننده‌ی معنا و هدف است. یهودیان و مسیحیان این ادعا را درباره خدا درست

سه سطح فردی، گروهی و سازمانی، به سه بُعد احساس معنا در کار در سطح فردی، احساس همبستگی در سطح گروهی و همسویی ارزش‌های فرد با سازمان در سطح سازمانی تقسیم‌بندی کردند. این دسته‌بندی در شکل (۱) مشخص است:

شکل (۱) ابعاد معنویت



از سوی دیگر، براساس یک رویکرد، ابعاد معنویت به شرح ذیل قابل تفکیک می‌باشد: (احمدی و خدای، ۱۳۹۰).

معنویت فردی درونی: به معنای اعتقاد به خداوند، باور به هدفمندی جهان هستی و احساس مثبت روانی؛

معنویت فردی بیرونی: به معنای بروز آثار مثبت معنویت در رفتار فرد در محیط کار و نسبت به دیگران؛ معنویت سازمانی درونی: به معنای آثار معنویت در رسالت و اهداف، رهبری، سیستم منابع انسانی و فرهنگ سازمانی؛

معنویت سازمانی بیرونی: به معنای آثار معنویت در عمل به مسئولیت اجتماعی و اخلاقی سازمان.

مولر، پلواک و رومانس (۲۰۰۱) نیز در دسته‌بندی دیگری معتقدند ابعاد معنویت شامل تلاش برای معنا و هدف، تفوق و برتری (مانند احساس اینکه انسان بودن



می‌پندارند اما لزوماً آن را با معنویت یکسان نمی‌دانند. اگر معنویت به معنای خدا باشد، بنابراین تضاد معنویت -مذهب از بین می‌رود (Ibid). بسیاری از تفاوت‌های بین معنویت دینی و معنویت غیردینی، در چگونگی توصیف رویدادها نهفته است. چیزی که یک شخص مذهبی به عنوان یک تجربه دینی توصیف می‌کند، ممکن است توسط کسی که دین ندارد، یک تجربه غیردینی توصیف شود.

شاید بتوان گفت، علت اینگونه رویکرد به معنویت، فرهنگ غالب در این کشورها است. در اروپای غربی و آمریکای شمالی، فرهنگی که براساس اعتقادات یهودیت و مسیحیت منتج شده است، بر قانون، راه فهم جهان و حتی رسوم و میراث، تأثیرگذار است. اما در بخش دیگر جهان، جایی که ادیان دیگر یا فلسفه‌های سیاسی دیگری غالب است، فرهنگ کشورها به اعتقادات و فهم خیلی متفاوتی برخورد گشت، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در کشورهای شرقی و مخصوصاً کشورهای اسلامی نیز، با همین رویکرد و با نگاه یهودیت و

مسیحیت به معنویت نگریسته شود. به نظر می‌رسد اولین قدم در معنویت اسلامی، پذیرش موجودی برتر و تأثیرگذار تام در زندگی انسان و عالم هستی است (عطافر، ۱۳۲). سرچشمه معنویت اسلامی، قرآن کریم و آیات و روایات است. لذا گفتمان‌های اسلامی در مقابل واژه غربی spirituality، اصطلاحات گوناگونی دارند که در بر گیرنده معانی باطن، حق، عالم معنا، مقام لطف الهی، مفهوم کمال و ذکر خدا است.

از دیدگاه مسلمین، زندگی معنوی هم بر ترس از خدا مبتنی است و هم بر عشق او؛ هم تسلیم در برابر اراده خدا و هم جست‌وجو برای شناخت او که هدف نهایی آفرینش است. معنویت اسلامی با الگوی آداب اسلامی که ساخته و پرداخته ارکان دین است، رابطه دارد. گوهر معنویت اسلام با توحید پیوند می‌خورد. همانطور که از نگاه سید حسین نصر، معنویت در قلب اسلام و کلید فهم جنبه‌های مختلف آن است. مقصد و آرمان معنوی نهایی کمال معنوی دین اسلام، همان قرب الی... است که با «ارجعی الی ربک و انا لله و انا الیه راجعون» مطابقت دارد. همانگونه که امام خمینی (ره) بیان می‌دارد: «معنویت مجموعه صفات و اعمالی است که شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم، به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد» (خمینی، ۱۳۷۸: ۹۷).

بنابراین از دیدگاه اسلام، معنویت بر دین مبتنی است و مسلمان باید معنویت خویش را براساس دین اسلام استوار سازد و حدود و ثغور معنویت فرد و نوع ارتباط چهارگانه فرد مسلمان، یعنی ارتباط با خویشتن، با دیگران، با محیط و با خدا، براساس آموزه‌ها و تعالیم دینی معین می‌شود. معنویت منهای خدا نه معنا منند است و نه قابل حصول و وقوع، بلکه امری غیرواقعی است که تئوریزه شده و مغالطه‌ای است که صورت گرفته و دیر یا زود بی‌ارزشی و بی‌معنایی آن روشن خواهد شد، زیرا با فطرت انسان ناسازگار و غیرقابل جمع است و تناقضی آشکار با حقیقت وجود آدمی دارد (رودگر، ۱۳۸۸).

در حقیقت، طریق معنوی، طریقتی است که آدمی می‌تواند با کمک آن از محدودیت‌های بشری خویش تعالی بجوید و به خداوند نزدیک شود. بنابراین خود طریق نمی‌تواند ساخته‌ی دست بشر باشد. اینکه آدمی بکوشد با چیزی ساخته‌ی دست خود بشر بر طبیعت بشری تعالی جوید، منطقاً نامعقول است (نصر، ۱۳۸۷).



۹۳). معنویت باید به معنای نگرستن به نظام هستی، پدیده‌ها و قوانین حاکم بر آنها فراتر از نظامات مادی و معقولات معنا شود و اصولاً مفهوم معنویت تنها در چارچوب گفتمان دینی معنا پیدا می‌کند و غیر از ادیان آسمانی نمی‌توانند از معنویت به مفهومی معنادار سخن به میان آورند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

قرآن کریم معنویت را دارای قلمرو وسیع و گسترده‌ای می‌داند که می‌تواند شامل همه احوال، اقوال و افعال و انگیزه‌ها و اندیشه‌های انسان گردد؛ زیرا گوهر معنویت را خداگرایی می‌داند، لذا هر کاری که با رنگ و رائحه رحمانی و انگیزه‌ی الهی انجام گیرد، داخل در معنای معنویت است. از منظر اسلام، معنویت ریشه در مذهب دارد و مذهب عامل اصلی تقویت و تشویق معنویت در افراد و سازمان‌ها تلقی می‌شود (مشبکی، ۱۳۸۵). علامه طباطبایی معنویت را رابط میان اعمال و افعال انسانی و میان حالات و ملکاتی که در نفس او به وجود می‌آورند و همچنین رابط بین این حالات و ملکات و میان مقامات و مدارج باطنی که انسان سیر می‌کند می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۸۷). شهید مطهری (ره) نیز معنویت را نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان نسبت به امور غیرمادی مانند علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش می‌داند که وجه تمایز انسان و موجودات دیگر است.

تأملی گذرا بر این تعاریف نشان می‌دهد که دین‌گرایی و معنویت رایج در جهان کنونی غرب، کاملاً در نقطه مقابل و در تضاد با دین‌گرایی و معنویت اسلام است و تنها نقطه مشترک بین این دو تلاش در جهت رهایی و نجات از محدوده تنگ عالم طبیعت و باز کردن غل و زنجیر حس‌گرایی است (حبیبی، ۱۳۸۲).

معنویت اسلامی، معنویت تفریحی و نمادینی نیست؛ معنویت اسلامی، مخصوص آدم‌های بیکار نیست که باید بیکار باشند تا بتوانند معنوی باشند. معنویت اسلامی، شغل نیست، مقدس بودن یا حرفه نیست که عده‌ای عارف و مقدس حرفه‌ای باشند و بقیه زندگی حیوانی بکنند. عرفان و معنویت که پیامبر و امامان (ع) آوردند، معنویت است که مراتب بالا و پایین دارد اما در عادی‌ترین و پایین‌ترین رده‌های زندگی مردم هم حضور دارد. در منطق ایشان، همه چیز به هم مربوط و شبکه است؛ هیچ حکمی و هیچ موعظه و قانونی، منعزل از بقیه احکام و معارف دینی نیست. معنویت در حاشیه زندگی مردم نیست، بلکه معنویت در متن زندگی آنها است؛ بنابراین معنویت اسلام سکولاریزه شدنی نیست. معنویت از مادیات جدا نیست و لذا در فرهنگ اسلامی این طور نیست که بگویند بخشی از زندگی تان مادی است و بخشی از آن معنوی؛ بلکه همه ابعاد زندگی از ازدواج و کار و درس خواندن حتی تفریح رفتن و خوابیدن اگر به آن معنای اصلی زندگی که انبیاء آوردند گره بخورد همه می‌تواند معنویت باشد (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۸۲).

معنویت اسلام با سایر معنویت‌های جهان، کاملاً متفاوت است و آثار معرفتی، سیاسی و اجتماعی متفاوتی دارد. در معنویت دو اصل باید وجود داشته باشد و گرنه معنویت نیست. اول، تقوا یعنی مقاومت در برابر شهوت، شراب و غفلت. هر معنویتی که در آن تقوا نیست دروغ است. دوم، معرفت و عقلانیت؛ اگر کسی می‌خواهد معنویت توحیدی اسلام را بشناسد، رمز آن اصالت کمال است. اما فرهنگ و عرفان شرقی با رمز اصالت رنج، و فرهنگ و معنویت غربی با رمز اصالت لذت شناخته می‌شود. در کمال معنوی اسلامی، رنج‌ها و لذت‌هایی وجود دارد. اسلام می‌گوید تو، هم بدن داری و هم روح؛ و جسم و روح تو، هر دو حقوقی دارد. فرهنگ اسلامی در جست‌وجوی تعالی و تکامل انسان است (رحیم‌پور



ازغدی، ۱۳۸۶). با توجه به این توضیحات، معنویتی که براساس ویژگی‌های دین، می‌توان به دین نسبت داد، باید حائز ویژگی‌های مشخصی به شرح زیر باشد:

الف) معنویت در ارتباط با وجود خالق معنا می‌یابد؛

ب) از آنجا که وجود خالق از محسوسات فراتر است، معنویت در فرامحسوسات ریشه دارد؛

ج) معنویت باید در تحول و هدایت زندگی فرد معنوی موثر باشد؛ و

د) دستیابی به معنویت باید از طریق راهنمایی‌های دین باشد.

براین اساس، می‌توان عناصر معنویت در رویکرد اسلامی را شامل (۱) مجموعه صفات و اعمال، (۲) مطابقت با فطرت، (۳) مبتنی بر دین و مذهب، (۴) با هدف تعالی و کمال انسان، (۵) منطقی و عقلانی، (۶) حضور در تمامی جنبه‌های زندگی و (۷) در جهت قرب الی ... دانست که به شرح جدول (۲) می‌باشد:

جدول (۲) عناصر تعاریف معنویت از منظر رویکرد اسلامی

منابع عناصر	مجموعه صفات و اعمال	مطابقت با فطرت	مبتنی بر دین و مذهب	با هدف تعالی و کمال انسان	منطقی و عقلانی	حضور در تمامی جنبه‌های زندگی	در جهت قرب الی ...
امام خمینی (ره) (۱۳۵۸)	*				*		*
رحیم پور ازغدی (۱۳۸۴)						*	
مشکی و همکاران (۱۳۸۵)			*				
رحیم پور ازغدی (۱۳۸۶)				*	*		
رودگر (۱۳۸۸)	*	*			*		*
رسنگار (۱۳۹۱)			*				*
علامه طباطبایی (۱۳۸۷)	*						
مطهری (۱۳۷۲)		*					*

نتیجه‌گیری

روشن‌تری برای شناخت عناصر و برخورد متناسب با آن برای رهبران سازمان‌ها فراهم آورد.

در این راستا پژوهش حاضر پس از بررسی‌های گسترده در زمینه پیشینه نظری حوزه معنویت و جایگاه آن در رهبری سازمان‌ها، مبنایی برای درک بهتر مفهوم، ابعاد و عناصر موضوع در دو رویکرد غربی و اسلامی را فراهم آورده است. به طور خلاصه با توجه به مباحث فوق، مفهوم معنویت از منظر رویکردهای غربی و اسلامی را می‌توان براساس عناصر جامعیت و شمول، هدف، جهت‌گیری، رابطه با دین و جنبه فردی و اجتماعی بودن، به شرح جدول (۳) مقایسه نمود:

تحقیقات نشان می‌دهند بروز معنویت در محیط کار و رفتار رهبر سازمان، نتایج بسیار ارزشمندی از جمله افزایش تعهد کارکنان نسبت به اهداف سازمان، افزایش اعتماد و امانتداری، افزایش خلاقیت و بهبود روحیه، افزایش عملکرد سازمانی و ... را برای مجموعه سازمانی به ارمغان خواهد آورد. اما در حقیقت تمایز مفهوم معنویت در دو رویکرد غربی و اسلامی و لزوم دقت نظر در متناسب‌سازی این مفاهیم بسیار حساس برای پیاده‌سازی در جامعه اسلامی، به نظر می‌رسد تبیین بیشتر مفهوم معنویت در آموزه‌های اسلامی راه



جدول ۳) مقایسه مفهوم معنویت از منظر رویکرد غربی و اسلامی

عناصر	رویکرد غربی	رویکرد اسلامی
جامعیت و شمول	مجموعه ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی	مجموعه صفات و اعمال
هدف	جست‌وجوی معنا در زندگی	تعالی و کمال انسان
جهت‌گیری	یکپارچگی زندگی فردی و سازمانی در جهت معناداری	یکپارچگی زندگی فردی و سازمانی در جهت قرب الهی ...
رابطه با دین	جدایی معنویت و دین	مبتنی بر دین و مذهب
جنبه فردی و اجتماعی	اعتقادات شخصی و فردی	مجموعه اعتقادات سازمان‌یافته دینی در هر دو جنبه فردی و اجتماعی

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- احمدی، سیدعلی اکبر و خدای، عبدالصمد (۱۳۹۰)، «مدلی برای مطالعه رفتار شهروندی عمومی، معنویت و رفتار شهروندی سازمانی در بخش دولتی ایران» پژوهشی در شرکت سهامی بیمه ایران»، «پژوهش‌های مدیریت عمومی»، سال چهارم، شماره ۱۴.
- ۲- امیدواری، سپیده (۱۳۸۷)، «سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها»، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی، سال اول، شماره ۱.
- ۳- باغلی-حسین و همکاران (۱۳۹۱)، «نقد مفهوم معنویت در تربیت معنوی معاصر، معنویت دینی و نوپدید (تشابه ذاتی یا اشتراک لفظی)»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۶.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، دین‌شناسی (سلسله بحث‌های فلسفه دین)، چاپ پنجم، قم: نشر اسراء.
- ۵- حبیبی، رضا (۱۳۸۲)، «دین و معنویت گرای»، حدیث زندگی، سال سوم، شماره ۱۲۵.
- ۶- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، جلد ۱۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۷- ذاکری-آذر و همکاران (۱۳۹۰)، «رهبری معنوی با رویکرد اسلامی»، مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، سال دوم، شماره ۴.
- ۸- رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۸۴)، معنویت در اسلام و غرب،

مقایسه معنویت در این دو رویکرد نشانگر این است که علیرغم توجهات و تأکیدات صاحب‌نظران و متفکران غربی در این حوزه، به دلیل عدم وجود یک ساختار مستحکم و زیربنایی برای تعریف این مفهوم و در واقع عدم وجود یک پیشینه قوی و عمیق در حوزه معنویت در رویکرد غربی، این اصطلاح تا حد یک دسته ویژگی‌های اخلاقی تنزل کرده و از سایر جوانب بازمانده است و به نوعی متفکران غربی، این مسئله را تنها یک مفهوم انتزاعی فرض کرده‌اند که با اذهان و روان مردم و آن هم تنها به صورت شخصی سروکار دارد. اما معنویت در لوای دین، با جسم و جان و روح مردم آمیخته و علاوه بر ویژگی‌های اخلاقی، بر رفتار و عملکرد رهبر و کارکنان به صورت فردی و گروهی، تأکید می‌ورزد. بنابراین حضور در چهارچوب معنویت دینی، نه تنها رهبران را از جوانب شخصی معنویت غربی باز نمی‌دارد، بلکه الگوی جامع و مانعی از عناصر را در اختیار آنان قرار می‌دهد تا با تأسی به آن‌ها، جوانب بیشتری از رضایتمندی و اثربخشی فردی و سازمانی را به دست آورند.



Lifespan, Guide post.

6- Ursula, K. (1997). *Spirituality in New Handbook of Living Religions*. Oxford: Blackwell.

7- Bezy, K. G. (2011). *An Operational Definition of Spiritual Leadership*. Dissertation submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Educational Leadership and Policy Studies.

8- Billitteri, T. J. (1997). *Finding the spirit at work: In their Quest for peace and fulfillment*, Today's harried workers can get help from many new books. Publishers weekly, P: 48.

9- Cacioppe, R. (2000). Creating spirit at work: Re Visioning Organization Development and Leadership – Part I,” *Leadership & Organization Development Journal* 21/1 : 51.

10- Cavanagh, G. (1999). “Spirituality for managers: Context and Critique”, *Journal of Organization Change Management*, Vol. 12, No.3. pp.53-165.

11- Lichtenstein, B. A. B. & Banner, D. (1999). “Spiritual perspectives on individual, organization and societal transformation”. *Journal of organizational change management*, Vol. 12, No. 3, PP: 175-185.

12- Milliman, J. Czaplewski, A.J. & Ferguson J. (2003). “Workplace Spirituality and employee Work attitudes”, *Journal of Organizational Change Management*. Vol. 16, No. 4, pp. 426-447.

13- Mitroff, I. A. & Denton, E. A. (1999). “A study of spirituality in the workplace”. *Journal sloan management review*.

14- Wanger-Marsh, F. & Conley, J. (1999). “The fourth wave: The spirituality-based firm”. *Journal of organizational change management*. Vol. 12, No. 4, PP: 292-301.

مجموعه سخنرانی‌های استاد رحیم پور ازغدی (منتشر نشده).

۹- رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۶). *معنویت توحیدی، معنویت شرک آلود*، مجموعه سخنرانی‌های استاد رحیم پور ازغدی (منتشر نشده).

۱۰- رستگار، عباس‌علی (۱۳۹۱). *معنویت در سازمان با رویکرد روانشناختی*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

۱۱- رودگر، محمد جواد (۱۳۸۸). «معنویت‌گرایی در قرآن: مبانی، مولفه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی»، *فصلنامه علوم انسانی*، سال چهارم، شماره ۱۴.

۱۲- سرلک، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۱). «طراحی مدل سازمان معنویت‌گرا در آموزش عالی ایران»، *پژوهش‌های مدیریت عمومی*. سال پنجم، شماره ۱۸.

۱۳- طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۷). *معنویت تشیع به ضمه به چند مقاله دیگر*، گردآوری، تحقیق و نگارش محمد بدیعی، قم: نشر تشیع.

۱۴- عطافر، علی (۱۳۹۲). «تأثیر رهبری معنوی اسلامی بر عملکرد سازمانی (مطالعه موردی شرکت گاز استان لرستان)»، *دوفصلنامه مدیریت اسلامی*، سال ۲۱، شماره ۱.

۱۵- مشیکی، اصغر و همکاران (۱۳۸۵). «معنویت و رهبری»، *مطالعات مدیریت صنعتی*، شماره ۱۴.

۱۶- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر جهان بینی توحیدی*، تهران: انتشارات صدرا.

۱۷- نصر، سیدحسین (۱۳۸۷). *دل‌باخته‌ی معنویت*، مترجم: منوچهر دین پرست، تهران: انتشارات کویر.

لاتین:

1- Hicks, D. A. (2003). *Religion and the workplace*. New York: Cambridge university press.

2- Hinnells, R. (1995). *A New Dictionary of Religions*, Oxford: Blackwell.

3- Mathews, I. (2009). *Social work and spirituality*. Great Britain: Learning Matters Ltd.

4- Mc Knight, R. (1984). *Spirituality in the Workplace*, in Adams, J. D. (ed.), *Transforming Work*, Alexandria, VA: Milles River Press.

5- Myers, J. E. (1990). *Wellness Throughout the*